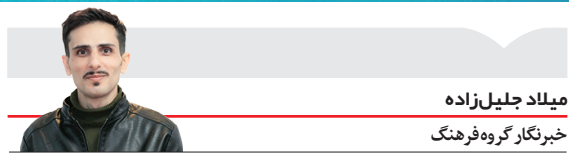




محکومیت سعید روستایی حتی بعد از فیلم افتضاحش فقط به نفع جریان های ضدایران شد

برادران! قبل از حکم فکر کنید



میلاذ جلیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

«حکم ۵ ساله دادگاه برای سعید روستایی؛ از ممنوعیت معاشرت با اشخاص فعال در عرصه فیلمسازی تا گذراندن دوره فیلمسازی اخلاقی در صداوسیما» این تیتراژ سایت اصلاح طلب انتخاب برای خبر محکومیت سعید روستایی است. به کلید واژه ها دقت کنید؛ «حکم ۵ ساله»، «ممنوعیت معاشرت»، «گذراندن دوره فیلمسازی اخلاقی در صداوسیما» عباراتی که به ۵ ساله بودن حکم اشاره می کند، حقیقی نیست و از خلال یک بازی لفظی، در پی بزرگنمایی ماجراست. اما مهم تر از آن عباراتی است که در پی آمده؛ ممنوعیت معاشرت و گذراندن دوره فیلمسازی در صداوسیما به عنوان جرمیه. اینها عملا و علنا کلید واژه هایی هستند که در دعاوهای جناحی کاربرد دارند. از آن سو رسانه های خارجی عمدتا روی این تاکید کرده اند که «روستایی به دلیل نمایش فیلمش در جشنواره کن به زندان محکوم شده است.» تاکید آنها روی دو کلید واژه «جشنواره کن» و «زندانی» است. آنها هم بهره برداری مخصوص به خودشان را از این جریان می کنند و تصویری از ماجرا برای مخاطبان ناآشنا با فضای واقعی ایران می سازند که در چهارچوب همان تعریف همیشگی و کلیشه ای قرار می گیرد. خود فیلم سعید روستایی با اینکه در خارج از کشور اکران شد، در جذب تماشاگر موفق نبود و فروشی آن به یک میلیون دلار هم نرسید. به عبارتی تصویر سیاهی که این فیلم از ذات ایرانی ها نشان می داد، نتوانست با موفقیت مقابل چشم مخاطبان زیادی در اروپا و آمریکا قرار بگیرد اما پس از صدور آن حکم جنجالی برای کارگردان فیلم، به میدان آمدن فیلمسازان بزرگی مثل مارتین اسکورسیزی و فرانسیس فورد کاپولا در به راه اندازی کمیته ای برای حمایت از او، باعث شد خبر به گوش تعداد بسیار بیشتری از مخاطبان در همان کشورها برسد.

اصل ماجرا این است که روستایی به ۶ ماه حبس محکوم شده و این حبس هم تعلیقی است. یعنی تا ۵ سال دیگر اگر روستایی خطای غیرقانونی دیگری انجام داد این حکم هم اجرا می شود وگرنه بعد از ۵ سال ملغی خواهد شد. سایت انتخاب با این عبارت «۵ سال» بازی خودش را کرد و در ضمن لگدی به صداوسیما زد و رسانه های غربی سراغ واژه زندان رفتند. چه یک روز، چه چند ماه، به هر حال عبارت «زندانی» باید کنار عبارات «هنرمند» و «رژیم ایران» قرار می گرفت. از طرفی گفته می شود که یک بیستم از این حکم ۶ ماهه قابل اجراست؛ یعنی ۹ روز. اما به نظر نمی رسد سعید روستایی همان ۹ روز را هم به حبس برود و حتی اگر برود، خصوصا با توجه

به حساسیت هایی که روی یک شخصیت مشهور وجود دارد، بعد است که در این چند روز هم سبختگیری شود. بلافاصله بعد از خبری شدن صدور چنین حکمی برای روستایی و تهیه کننده فیلمش جواد نوروزبیگی، عکسی از سعید روستایی در شهر کن فرانسه منتشر شد که مشغول استراحت است. معلوم نیست که این عکس برای همین ایام اخیر بوده یا برای پیش از این، اما به هر حال اگر هم واقعیت داشته باشد، اتفاق غیرقابل باوری نیفتاده است.

یک جمع بندی موجز از تمام آنچه اتفاق افتاده این است که سعید روستایی به همراه تهیه کننده فیلمش، با تخطی از قوانین وزارت ارشاد، بدون اجازه وزارتخانه فیلمش را به جشنواره های خارجی فرستاده است. او البته در آن مقطع زمانی به خصوص، رفتار چندانی عجیبی انجام نداد چون این قانون که اولین نمایش هر فیلم ایرانی لزوما باید در ایران باشد، به طور عمدی در دولت حسن روحانی متروک شد و این یک دوپینگ آشکار به سینمای جشنواره پسند ایران بود. اعتراض ها به نادیده گرفته شدن عمدی این قانون در زمان روی کار بودن دولت حسن روحانی هم در جریان بود اما خود اعتراض ها هم نادیده گرفته می شد و در دولت جدید، به این اعتراض ها توجه شد. به عبارت ساده، سعید روستایی با «برادران لیلا» تا اینجای کار قدمی فراتر از مرزی نگذاشته که بارها اصغر فرهادی و بسیاری فیلمسازان دیگر، در ۸ سال گذشته آن را رد کرده بودند. حتی یکی از فیلم های بسیار سیاه ایرانی که در جشنواره ای اسپانیایی اولین نمایش خودش را تجربه کرد، در آخرین سال دولت قبل به فجر هم آمد و با اینکه طبق قانون نتوانسته بود در بخش مسابقه باشد، لایه لای فیلم های بخش مسابقه برای اهالی رسانه و مردم نمایش داده شد. برخورد سازمان سینمایی دولت جدید با عوامل فیلم برادران لیلا باعث شد که بلافاصله بساط این خودسری در ارسال آثار به جشنواره های خارجی جمع شود و تنها کسانی که در این مسیر باقی بمانند که فیلمسازان زیرزمینی و عمدتا وابسته به بودجه های آن سوی آب هستند.

چیزی که در این میان به عنوان بهانه ای برای صدور حکم در مورد تهیه کننده و کارگردان برادران لیلا باقی می ماند، مشکوک بودن آنها به پخش نسخه بدون مجوز این فیلم در داخل کشور است. فیلمی که قبل از این در خارج از کشور اکران شود، بدون تردید پس از پایان اکران پرده ای آن در خارج از کشور، در داخل با نسخه های آنلاین قاچاق خواهد شد.

«جنگ جهانی سوم» ساخته هومن سیدی، پروانه نمایش داشت و حتی به عنوان نماینده رسمی ایران برای حضور در مراسم اسکار انتخاب شده بود اما این فیلم هم به همین دلیل که ابتدا در خارج از کشور اکران شد، قبل از به نمایش درآمدن در ایران قاچاق شد. فیلم «تفریق امانی» حقیقی همزمان با صدور حکم روستایی قاچاق شد و

پیشاپیش در مورد فیلم «قاتل وحشی» حمید نعمت الله که قرار است ابتدا در خارج از کشور اکران شود هم می توان مطمئن بود که به همین سرنوشت دچار می شود. این واقعیت های دوران جدید و مباحث مرتبط با تکنولوژی است.

پس این حکمی که برای سعید روستایی صادر شد، به لحاظ قانونی چه محملی دارد؟ آیا اینکه سعید روستایی هنگام آزادی ترانه علی دوستی از زندان به استقبالش رفت، در صدور این حکم موثر بود؟ آیا اینکه فیلم برادران لیلا اثری سیاه بود و در آن به ذات ایرانی ها توهین شده بود، کار را به صدور چنین حکمی درباره کارگردانش کشاند؟ رسماً چنین مواردی را نمی توان به اثبات رساند اما به شکل دوفاکتور می دانیم که ممکن است چنین مواردی در صدور آن حکم پر سر و صدا موثر بوده باشند. نتیجه عملی و عینی این حکم چیست؟ یک روز قبل از اینکه حکم سعید روستایی و جواد نوروزبیگی خبری شود این خبر اعلام شد که قاضی پرونده ای که برای افسانه بایگان چنین حکم عجیبی در همین ردیف صادر کرده بود، برکنار شده است. شیمای قوشه، وکیل پایه یک دادگستری، در توییتی نوشت: «حسب مسموع، قاضی علی امیدی، دادرش شعبه ۱۰۸۸ دادگاه ارشاد تهران، که رای های عجیب و بعضا غیرقانونی اش صدای همه تا رئیس قوه قضائیه را در آورده بود، از شعبه مربوطه برکنار شده.» این خبر از طرف قوه قضائیه تکذیب نشد که همین سکوت، طبق سیاقی که از عملکرد رسانه ای قوه قضائیه سراغ داریم، به معنای تایید تلویحی خبر است. این قاضی حکم داده بود که افسانه بایگان برای روان درمانی به متخصص مربوطه مراجعه کند و بنوعی سر در پی تحقیق او داشت. چند روز قبل از آن شبیه همین حکم برای آزاده صمدی هم صادر شده بود. اگر بخوایم به آن سوال برگردیم که نتیجه عینی و عملی این احکام چیست، باید به خودمان پاسخ بدهیم که هیچ؛ به جز اینکه هزینه رسانه ای و تبلیغاتی فراوانی به زبان نظام حاکم پرداخته شده و در عمل اتفاق خاصی هم نیفتاده است. رسانه هایی که به دنبال بهره برداری از این نوع اخبار هستند، قاضی علی امیدی را به عنوان چهره نظام معرفی می کنند نه آن مقامات رده بالاتر که امیدی را به دلیل صدور چنین حکمی برکنار می کنند. طبیعتا رئیس قوه قضائیه صلاحیت بیشتری برای این دارد که به عنوان چهره نظام معرفی شود تا یک قاضی معزول، اما نفع آن رسانه های به خصوص این است که امیدی را چهره نظام بنمایانند. حالا در مورد سعید روستایی هم همین اتفاق می افتد. اولاً به طور تقریبی می شود گفت محال است که پای او برای این حکم اخیر به زندان باز شود اما نظام حاکم به اینکه یک فیلمساز را به جرم شرکت در جشنواره ای خارجی به زندان فرستاد، نزد افکار عمومی محکوم می شود. حتی ممکن است با قاضی این پرونده هم بعدها برخوردی شود یا لاقال تذکری به او داده شود اما از چشم انداز آن رسانه ها

این موارد پسین ارزش خبری ندارند. البته این برخوردها از این جهت شایسته است که قضات و دادستان های دیگر را نسبت به عواقب اعمال شان روشن کند و پس از این، کمتر شاهد چنین مواردی باشیم اما به لحاظ رسانه ای، ضرر اتفاقی که پیش از این افتاده، به راحتی جبران پذیر نیست. ثانیا قسمت تلخ تر ماجرا قهرمان سازی از کسانی است که به لحاظ هنری تا یک جایی کشش جذب مخاطب را داشتند و از آنجا به بعد با دوپینگ این نوع اخبار، مطرح باقی می ماند. برادران لیلا یک فیلم خوش ساخت و قوی نبود که محبوبیت عمومی فراوانی بین مخاطبان ایرانی پیدا کند. فروش خارجی آن هم ناامید کننده بود. با این همه، مدت ها است که جنجال ها وحاشیه ها اجازه نمی دهند این فیلم پایین تر از حد متوسط فراموش شود و در همان اندازه ای مورد توجه قرار بگیرد که ارزش های هنری اش اجازه می دهند. یک مشکل عمده که حتی سطح زیبایی شناختی آثار را در سینمای ایران به شدت نازل کرده، به وجود آمدن چنین دوپینگ های غیرهنری و غیرسینمایی واضحی، خصوصا در سال های اخیر است. گذشته از مورد سعید روستایی، کسانی را می توانیم در همین دوده خیر سراغ بگیریم که در آثارشان حتی ابتدایی ترین اصول فنی سینما رعایت نشده اما با چرخیدن در مدار همین نوع حواشی، همیشه مطرح بوده اند.

جعفر پناهی که سابق بر این فیلم های قابل بحثی داشت اما در سال های اخیر حتی قواعد کات و شات را هم رعایت نکرده و در عوض کلکسیون جوایزش طلاکاری شده است، یا محمد رسول اف که برادرزاده یکی از شخصیت های مهم بانکی در خود جمهوری اسلامی است و با ژست اپوزیسیون کار می سازد و به خارج می فرستد و حتی سابق بر این هم یک اثر که نشان بدهد قواعد کات و شات را بلد است در کارنامه نداشت، از جمله چنین مواردی هستند. خوشبختانه فهم اجتماعی قابل اعتنایی راجع به این کاسبی ها در فضای عمومی ایران در حال شکل گیری است اما روندها در دو سوسی موثر ماجرا که عاملیت دارند، هیچ تغییری نکرده است. نه از جانب تندروها یا افراد نابلد در برخورد با چنین مواردی، ترمزی در لوگو متیو قهرمان سازی از کاسبان توقیف می بینیم نه از کاسبان توقیف اینکار جدیدی برای دیده شدن و مطرح شدن بروز پیدا می کند. با اینکه بخش عمده ای از جامعه نسبت به طرحواره نخ نما این بازی کهنه آگاهی پیدا کرده و دیگر فریب آن را نمی خورد انگار این دو گروه که بازی دیگری بلد نیستند، قصد ندارند از آن دست بردارند. بدون تردید از خارجی هانمی توان خواش کرد که با عبارت زندان، هنرمند و ایران جمله سازی نکنند و تیتراهای محبوب شان را روی خروچی نگذارند اما با این سوی ماجرا می توان سر سخن را باز کرد. یعنی از آنان که به واقع ریل گذاران اصلی نظام هستند، می توان درخواست کرد که باتمام قوت جلوی کسانی را که دستگاه تولید بهانه هستند، بگیرند.

چارسو

نه ساترا نه ارشاد؛ لزوم تشکیل مرکز مستقل برای VODها



انجمن تهیه کنندگان مستقل سینمای ایران پیشنهاد داد که مرکزی مستقل از صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای پلتفرم های نمایش خانگی ایجاد شود. در ماه های گذشته موضوع شیوه مدیریت فضای وی اودی ها بارها مورد بحث قرار گرفته است؛ به ویژه از زمانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه تنظیم گری حوزه نمایش خانگی را در اختیار صداوسیما گذاشت و در عین حال تاکید کرد جزئیات این تصمیم باید در مجلس شورای اسلامی تصویب شود. بسیاری از ناظران و کارشناسان معتقدند با شرایط فعلی، امکان تصویب چنین موضوعی در مجلس شورای اسلامی زیاد نیست و البته معتقدند که بلا تکلیفی مجدد نمایش خانگی که در سه سال گذشته ادامه داشته است، به نفع این صنعت نیست. در این راستا، انجمن تهیه کنندگان مستقل سینمای ایران که بخشی از اعضای آن، از فعالان تولید سریال در وی اودی ها هم هستند، پیشنهاد خودمینی بر تاسیس یک مرکز مستقل را در قالب یک بیانیه اعلام کرده اند. در متن بیانیه انجمن تهیه کنندگان مستقل سینمای ایران آمده است: «متأسفانه شبکه وی اودی و نمایش خانگی کشور در شرایط بحرانی و پیچیده ای قرار گرفته است. مجموعه ساترا تحت نظارت سازمان صداوسیما به تولیدات شبکه نمایش خانگی معنوی رقیب تولیدات تلویزیون نگاه می کند و با ایجاد محدودیت امکان تولید را از سینماگران مستقل سلب کرده است. از طرفی اراده ای معتقد به واگذاری آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. از این رو با توجه به افزایش تعداد پلتفرم های شبکه نمایش خانگی، انجمن تهیه کنندگان مستقل خواستار انحلال ساترا و تاسیس یک مرکز مستقل برای حمایت و بسترسازی مناسب برای شبکه نمایش خانگی و پلتفرم ها است و از هر پیشنهادی برای این امر در جهت تقویت و رونق نمایش خانگی کشور استقبال می کند.»

کره جنوبی نماینده اش در اسکار ۲۰۲۴ را معرفی کرد



کره جنوبی فیلم اکشن درام فاجعه ای «آرمان شهر بتنی» را به عنوان نماینده خود به رقابت بهترین فیلم بین المللی اسکار نود و ششم فرستاد. کره جنوبی که با «انگل» برنده جایزه بهترین فیلم بین المللی اسکار شد، اکنون آرمان شهر بتنی را به عنوان نماینده خود به رقابت امسال معرفی کرده است. این فیلم که دومین فیلم کارگردان ام تائه و است، در سئولی رخ می دهد که بر اثر زلزله ای عظیم ویران شده است. یک ساختمان در میان این خرابه ها به پنجاهگی برای ساکنانش بدل می شود، اما آنها باید کاری کنند که دیگران متوجه شان نشوند. این فیلم ۹ اگوست در سینماهای کره اکران شد و در هشت روز اول اکرانش ۱۶٫۲ میلیون دلار فروش کرده است. شورای فیلم کره (KOFIC) با معرفی این فیلم به اسکار گفت هدف شان از انتخاب امسال این بود که فیلمی در سطح جهانی با یک ستاره بزرگ به این رقابت بفرستند. لی یونگ هون که قبلا در فیلم «جی. آی جو: تلافی» و «فرم ۲» و فیلم های برتر کره ای چون «شیطان را دیدم»، «عصر سایه ها» و «یک زندگی تلخ و شیرین» بازی کرده، چهره ای شاخص برای این هدف بود. پیش از این تاجیکستان با «ملودی» به نوبستدگی، کارگردانی و تهیه کنندگی بهروز سبط رسول به اسکار رفته بود و جلوتر از آن سوئیس به عنوان اولین کشور آغاز کننده رقابت امسال «تندر»، اولین فیلم کارمن ژاکیر، نویسنده و کارگردان را به آکادمی معرفی کرده بود. تمام آثار ارسالی برای شرکت در رقابت ۲۰۲۴ باید تا ساعت ۵ بعدازظهر دوشنبه ۱۲ اکتبر به آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک رسیده باشند. فیلم ها باید در فاصله یکم دسامبر ۲۲ تا ۳۱ اکتبر ۲۳ اکران شده باشند. اسامی فیلم های راه یافته به فهرست کوتاه شامل ۱۵ فیلم ۲۱ دسامبر اعلام خواهد شد و نامزد های نهایی در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ معرفی می شوند.

توضیح جلیلی درباره «باج بده» و «باج بگیر»



پیمان جلیلی، رئیس سازمان صداوسیما درباره منظورش از عبارت «مدیر باج بده و باج بگیر» گفت: «بعضی از منابع خبری که خوشان را حرفه ای و مسلط می دانند فرق ویراست و توپیت را نمی دانند. گویی به فتح بزرگی رسیده اند و می گویند جلیلی توپیت زده! اما در مورد عبارت مدیر باج بده و باج بگیر باید بگویم منظوم آنجا روشن بود. رقابت نیست به بهانه جذب مخاطب و جذابیت برنامه هایمان به هیچ چه هنرجار شکنی باج بدهیم که بخواید ارزش های ما را زیر سوال ببرد.» وی خاطر نشان کرد: «از آن طرف به کسی اجازه نمی دهیم با استفاده از همین ظرفیت های متأسفانه غیر وفادار به هنجارها و عناصر و چهره های هنرجار شکن از ما باج بگیرد و بخواید آنها را بیاورد روی آنتن نشان بدهد. به بهانه ای که بخواید برای ما منافع مالی تامین کند؛ نه ما زیر بار باج دادن می رویم نه زیر بار باج گرفتن. البته این در مورد بحث چهره ها بود. در همه سیاست هایمان چون رسانه ملی هستیم نه باید اجازه بدهیم کسی از ما باج خواهی کند و نه خودمان به کسی باج بدهیم.» او همچنین درباره کناره گیری محمدرضا شهبازی تاکید کرد: «سوء تفاهمی بود که برطرف شد و آقای شهبازی از روز شنبه برنامه شان را روی آنتن خواهند داشت و «پورقی» ادامه پیدا می کند.» رئیس صداوسیما درباره گمانه زنی های تغییرات در صداوسیما که با معاون سیما شروع شده و رئیس ساترا و معاونت سیاسی هم رسیده، توضیح داد: «متأسفانه برخی از گمانه زنی های بی اساس در پیچیده های رسانه ای و قضای مجاری اتفاق می افتد به ویژه همکاران رسانه ای ما مراقب باشند یعنی یک جریان رسانه ای بی اساس راه می افتد، یک سازمان را متزلزل می کند و نگاه ها را نسبت به مدیریت ضعیف می کند. این کار غلطی است. در حال حاضر هیچ تغییری در دستور کارمان نیست. هر زمان که نیاز باشد مثل همه دستگاه ها که در مسیر فعالیت های شان احساس می کنند تغییر و تحولاتی باشد ما هم این کار را خواهیم کرد.»